

المعتمد فی اصول الدین

محمد کاظم رحمتی

رکن الدین محمود بن محمد ملاحمی خوارزمی مؤلف کتاب *المعتمد فی اصول الدین*^۱ یکی از آخرین معتزلیان شناخته شده خوارزم و پیرو مکتب ابوالحسین بصری (متوفی ۴۳۶ ق) است که ابن المرتضی (متوفی ۸۴۰ ق) به خطا او را شاگرد ابوالحسین بصری معرفی کرده و درباره وی چنین نگاشته است: «و از دیگر معتزلیان ابوالحسین محمد بن علی بصری مؤلف کتاب *المعتمد فی اصول الفقه* است. وی علم کلام را از قاضی عبدالجبار بن احمد همدانی (متوفی ۴۱۵ ق) فرا گرفت و در بغداد درس می گفت. وی مردی مجادله گر و حاذق بود و تألیفات زیادی دارد که از آن هاست: *تصفح الأدلة*، *نقض الشافی* در امامت و *نقض المقنع فی النبیة*.^۲ پیروان ابوهاشم جبایی (بهاشمه) از وی به دو دلیل نفرت داشتند: ابوالحسین بصری خود را به فلسفه مشغول داشته و در نوشته های فلاسفه (الاولئ) خوض می نمود. دیگر آن که به خرده گیری از مشایخ اعتزال و ردّ برخی نظرات آن ها در آثارش می پرداخت و بر نادرستی برخی استدلال های آن ها سخن می گفت. حاکم چشمی (متوفی ۴۹۴ ق) گفته است: و به این دو دلیل، خدا در علم وی برکت قرار داد. من (ابن المرتضی) می گویم که این سخن حاکم چشمی از سر تعصب (بر بهاشمه) است، به درستی که خداوند در کتاب های بصری منفعت قرار داد و از علم وی بیش از دیگران منفعت برمی خیزد، آیا نمی بینی که کتاب *المعتمد فی اصول الفقه*، اساس بیش تر آثاری است که کسان بعد از وی نگاشته اند و بر آن اعتماد ورزیده اند و همین گونه از کتب وی در اصول دین چون *الفائق* از شاگردان وی، شیخ نحیر محمود بن ملاحمی مؤلف *المعتمد* است. از ابوالحسین بصری عده ای فراوان از علما چون امام یحیی بن حمزه و بیش تر علمای امامیه پیروی کرده اند و فخر رازی از اشاعره (مجبره) در مسأله لطیف و مسائل دیگری بر طریق ابوالحسین رفته است.»^۳

گفته های ابن مرتضی که بخشی از آن به نقل از شرح عیون المسائل حاکم چشمی است، دقیق نیست و با کمک منابع دیگر می توان دریافت که ابن ملاحمی تنها پیروی مکتب کلامی ابوالحسین بصری بوده است. خالدوف (۱۹۰۵ م) - ۱۹۶۸ م) بنیانگذار بخش لغت عربی در دانشگاه تاشکند، رساله ای درباره جارالله محمد بن عمر زمخشری (متوفی ۵۳۸

ق) نگاشته و در آن از نسخه‌ای خطی به شماره ۲۳۸۷ در سن پترزبورگ، مطالبی نقل کرده که روشنگر نکاتی از زندگی زمخشری و خاستگاه اعتزال وی و ابن ملاحمی است. این یادداشت‌ها را عبدالکریم یافی در مجله مجمع اللغة العربية بدمشق، سال ۵۷، ۱۹۸۲، صص ۳۶۵ - ۳۸۲ منتشر کرده است. یکی از مطالب با اهمیت در بحث ما عبارتی است که ابتدا متن عبارت عربی را می‌آوریم و سپس بر اساس آن مطالبی ارایه خواهد شد. در حاشیه این نسخه در اشاره به رکن‌الدین ملاحمی و زمخشری چنین آمده است: «(برگ ۱۳۷ ب) محمود بن عمر بن محمد ابوالقاسم الزمخشری الخوارزمی الامام العلامة المشهور بفخر خوارزم - رحمه الله - امام الدنيا في علم الاعراب و اللغة و علم المعاني و البيان و الزهد و حسن السيرة في السرّ و الاعلان. أدركت أيامه و دخلت عليه سنة ثلاث و ثلاثين و خمسمائة و سلمت عليه إلا أنه عاقني من القراءة عليه و الأخذ منه عوائق؛ فبقي ذلك حسرةً عليّ؛ لأنه - رحمه الله - كان قرأ عليّ جدّي أبي أمي شيئاً من الأدب فكان يعرفني؛ و توفيّ خالي كتب إليّ جدّي كتاب تعزية و هو بعد في الكتاب يعتذر من عدم المجيء من زمخشر إلى اندرسان؛ فقال في آخره: و ليس عليّ مقصوص الجناح جناح... ثم رزقه الله من التوفيق أن صار الامام ركن‌الدین محمود الاصولی و الامام أبو منصور من تلامذته في علم التفسير؛ فكانا يقرآن عليه و هو يأخذ منهما الاصول...»^۴

(برگ ۱۴۱ ب) مات رکن‌الدین محمود الاصولی بن عبیدالله الملاحمی... ليلة الأحد السابع عشر من شهر ربيع الأول سنة ست و ثلاثين و خمسمائة كان معروفاً بالكلام فريد دهره في هذه الصنعة و له تصانيف كثيرة في هذا الباب مثل المعتمد في اصول الدين و هو اربع مجلدات و الفائق في الاصول و تحفة المتكلمين في الرد على الفلاسفة من طالعتها أو غيرها من مصنفاته عرف (فضله؟)... و كان ورعاً جداً و من نفاثات صاحب الكشاف في مرثيته:

ما بال خوارزم كانت أمس مشرقة واليوم أرجاؤها مغبرة سود
لم يبق من نور أهل العدل باقية لما توفي ركن الدين محمود^۵
این مطالب مشخص کننده چند نکته است:

نخست، با توجه به تاریخ وفات ابوالحسین بصری (متوفی ۴۳۶ ق) و زمان وفات ابن ملاحمی (شب یکشنبه ۱۷ ربیع‌الاول سال ۵۳۶ ق) ارتباط مستقیم بین این دو منتفی می‌شود.

دوم، درمی‌یابیم که ابن ملاحمی ظاهراً متأثر از ابوالحسین بصری بوده و متأثر از وی زمخشری به اعتزال گرویده است. تردیدی نیست که این مصاحبت‌ها در جرجانیه، پایتخت خوارزم بوده است، جایی که زمخشری اکثر عمر خود را در آنجا سپری نمود. از ابن ملاحمی به عنوان فردی متبحر در علم کلام یاد شده و از تألیفات وی، آثار زیر ذکر شده است:

۱. المعتمد فی اصول‌الدین در چهار جزء

۲. الفائق فی اصول. این کتاب در چند نسخه خطی موجود است.^۶ بر طبق نوشته ابن ملاحمی در انتهای یکی از نسخه‌ها، تألیف آن در هفتم ربیع‌الاول روز چهارشنبه سال ۵۳۲ هـ. ق به پایان رسیده است.

۳. ردیه‌ای بر فلاسفه با عنوان تحفة المتكلمين فی الرد علی الفلاسفة. از وجود این اثر به واسطه دو نقلی که مؤلف زیدی محمد بن حسن دیلمی (متوفی ۷۱۱ ق)^۷ در کتاب قواعد آل محمد که در یمن به سال ۷۰۷ ق نگاشته، خبر داریم.^۸ خوشبختانه نسخه‌ای از این اثر در ایران موجود است.^۹

ابن ملاحمی در کتاب الفائق علاوه بر اشاره به کتاب المعتمد، از دو اثر دیگرش نیز سخن گفته است:

۴. کتاب الحدود و

۵. جواب المسائل الاصفهانية

نسخه‌ای ناقص از اثر دیگر ابن ملاحمی در اصول فقه در کتابخانه بادلیان موجود است که در صفحه آخر، از آن به عنوان التجريد یاد شده است. کتاب التجريد، تلخیصی از کتاب المعتمد فی اصول الفقه نوشته ابوالحسین بصری

است. شاید نام کامل کتاب *تجريد المعتمد في اصول الفقه* باشد.^{۱۰}

در مورد اساتید ابن ملاحمی، خبری در منابع نیست و خود او در کتاب *المعتمد* اشاره‌ای در این زمینه ندارد. فزونتر آن که ابن ملاحمی حتی اشاره صریحی به وابستگی خود به مکتب ابوالحسین بصری نکرده است. همان گونه که یاقوت در شرح زندگی ابومضمر محمود بن جریر ضبی اصفهانی (متوفی ۵۰۷ ق) نحوی، ادیب و طیب خوارزمی اشاره کرده، او نخستین کسی است که اعتزال را به خوارزم برده است و زمخشری پیرو او بوده است. آن گونه که در آن زمان رایج بود، ضبی در طب و فلسفه دست داشت.^{۱۱} مکتب ضبی ظاهراً متأثر از مکتب فلسفی ابوالحسین بصری بوده است. هر چند درباره گفته یاقوت که ضبی اولین کسی بود که اعتزال را در خوارزم رواج داد، باید تردید نمود،^{۱۲} مگر آن که ضبی، مکتب ابوالحسین بصری را برای نخستین بار در خوارزم اشاعه داده و شاید ابن ملاحمی نزد او تلمذ کرده باشد.

در مورد شاگردان ابن ملاحمی نیز مطلبی در منابع ذکر نشده است، تنها می‌دانیم فخر رازی (متوفی ۶۰۶ ق) متکلم اشعری در مناظرات خود با علمای معتزلی خوارزم (حوالی سال‌های ۵۶۰ - ۵۷۰ ق) با شاگردان ابن ملاحمی درگیر بوده و از ابن ملاحمی به محمود خوارزمی یاد کرده است.^{۱۳} از طرف دیگر، فخر رازی اشاره کرده، در زمان وی تنها دو گروه از اعتزال باقی مانده است: بهاشمه، پیرو مذهب کلامی ابوهاشم جیبی (متوفی ۳۲۱ ق) و مکتب ابوالحسین بصری.^{۱۴} مکتب کلامی - اعتزالی خوارزم تا قرن نهم هجری دوام آورد، در حالی که در دیگر مناطق، زودتر از این تاریخ از میان رفت.^{۱۵}

فرد دیگری که بعد از ابن ملاحمی به مکتب ابوالحسین بصری اشاره کرده، تقی‌الدین مؤلف کتاب *الکامل فی الاستقصاء فی ما بلغنا من کلام القدماء* است که اثرش در نسخه‌های خطی موجود است و دکتر السید الشاهد نخست بخش‌هایی از آن را در مقاله‌ای و سپس تمام متن را تصحیح و منتشر کرده است. کتاب وی، اغلب ردیه‌هایی بر تعالیم ابوهاشم جیبی است با استفاده از مکتب کلامی ابوالحسین بصری و ابن-ملاحمی.^{۱۶} از زندگی تقی‌الدین نکات زیادی دانسته نیست،^{۱۷} جز آن که از کتاب وی برمی‌آید که فردی

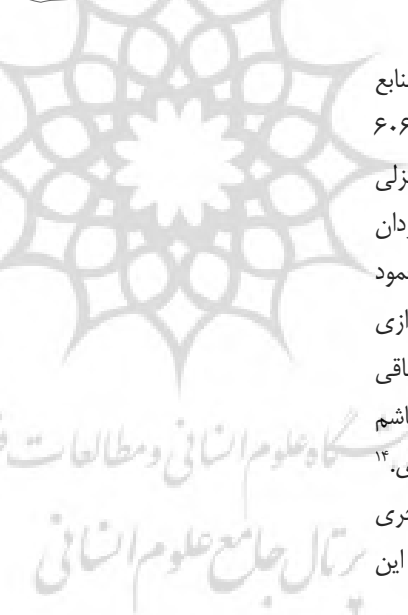
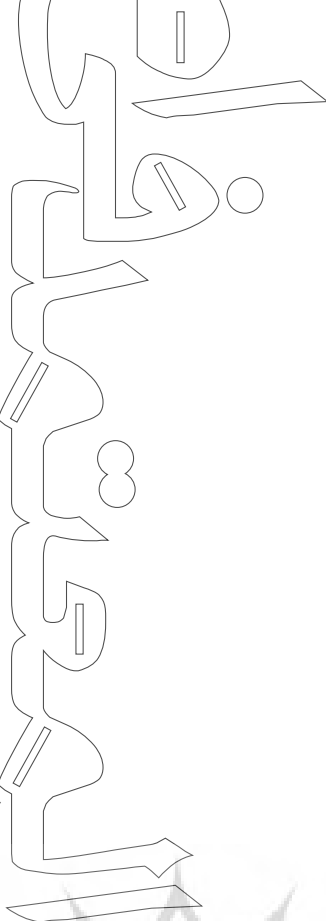
سنّی بوده است.^{۱۸} از کاربرد لفظ خوارزمی برای ابن-ملاحمی، شاید بتوان گفت که وی در خوارزم ساکن نبوده است. تنها می‌دانیم که وی در اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم زندگی می‌کرده، چرا که از وی، فقیه حنفی خوارزمی، نجم‌الدین غرمینی (متوفی ۶۵۸ ق) نام برده و از آثارش مطالبی نقل کرده است.

نجم‌الدین مختار بن محمود زاهدی غرمینی، مؤلف *رسالة الناصرية* در دفاع از اسلام است که آن را به برکه خان، شاهزاده مغولی، تقدیم کرده است.^{۱۹} از آثار دیگر غرمینی، شرحی بر مختصر قدوری در فقه حنفی با عنوان *المجتبی* قابل ذکر است. غرمینی، با همین عنوان *المجتبی*، کتابی در اصول دین و فقه تألیف کرده است. ظاهراً این کتاب باقی نمانده است. اما در دو اثر زیدی به نام‌های *ایثار الحق علی الخلق* و *ترجیح أسالیب القرآن علی أسالیب اليونان* نوشته محمد بن ابراهیم بن علی بن مرتضی معروف به ابن‌وزیر (متوفی ۸۴۰ ق) مورد استفاده بوده‌اند. این منقولات نشان‌دهنده آن است که غرمینی از مکتب ابوالحسین بصری پیروی می‌کرده و بر همین اساس از مکتب ابوهاشم جیبی انتقاد کرده است.^{۲۰} غرمینی از آرای ابن ملاحمی نیز یاد کرده است.^{۲۱}

بنابر نوشته ابن‌ابی‌الوفاء، مهم‌ترین شرح‌حال‌نگار رجال حنفی، غرمینی علم کلام را نزد سراج‌الدین یوسف بن ابی‌بکر سکاکی خوارزمی (۵۵۵ - ۶۲۶ ق) عالم مشهور بلاغی و مؤلف کتاب *مفتاح العلوم* فرا گرفته که شاید وی نیز پیرو مکتب ابوالحسین بصری باشد. گرچه چنین در آثارش هویدا نیست و خود او نیز به استادان خود در علم کلام اشاره نکرده، اما محتمل است که شاگرد ابن ملاحمی باشد.

متکلمان امامیه و امام زیدی مؤید بالله یحیی بن حمزه (متوفی ۷۴۷ ق) از مکتب ابوالحسین بصری و ابن ملاحمی یاد کرده و در مسائلی نیز با ابوالحسین هم‌رای بوده‌اند. اثر این نفوذ را در نوشته کلامی، عالم شیعی، سدیدالدین محمود بن علی بن حسن حمصی رازی (متوفی بعد از ۶۰۰ ق) می‌توان دید. او در تألیف اثر کلامی خود، *المتقند من التقليد و المرشد الی التوحید* که در سال ۵۸۱ ق تألیف آن را به پایان رسانده، از کتاب *الغرر* ابوالحسین بصری استفاده کرده است.^{۲۲}

در اثر کلامی مختصر و نافع نوشته عالمی امامی به متأثر بودن سدیدالدین حمصی از ابوالحسین



بصری در مسائلی اشاره شده است.^{۳۳} در نسخه‌ای خطی و موجود در کتابخانهٔ بادلیان از سدیدالدین حمصی به عنوان مخالف ابوهاشم جبایی در شیئیت معدوم (ان المعدوم هو شیء) یاد شده است.^{۳۴} خواجه نصیرالدین طوسی (متوفی ۶۷۲ ق) که خود مکتبی کلامی مبتنی بر آرای فلسفی ابن‌سینا ایجاد کرده، اشاراتی به مکتب ابوالحسین بصری و ابن‌ملاحمی داشته است. علامه حلی (متوفی ۷۲۶ ق) در شرح خود بر کتاب *تجرید الاعتقاد* خواجه نصیر طوسی به برخی از آرای ابن‌ملاحمی و ابوالحسین بصری اشاره کرده و از ابن‌ملاحمی با عنوان محمود خوارزمی یاد کرده است.^{۳۵} معاصر خواجه نصیرالدین طوسی، رضی‌الدین بن طاووس (متوفی ۶۶۴ ق)^{۳۶} در کتاب خود، *الطرائف فی معرفة مذاهب الطوائف* نیز از ابن‌ملاحمی به عنوان عالم بزرگ اهل اعتزال و شیخ اهل سنت سخن رفته است.^{۳۷} این در حالی است که ابن‌طاووس تمایل چندانی به علم کلام نداشته است. متکلم امامی، کمال‌الدین میثم‌بن علی بحرانی (متوفی ۶۹۹ ق) شاگرد خواجه نصیرالدین طوسی، به برخی از آرای ابوالحسین بصری و ابن‌ملاحمی و تقی‌الدین اشاره کرده و از آن‌ها در کتاب خود *قواعد المرام فی علم الکلام* سخن گفته است.^{۳۸} هم‌چنین متنی وجود دارد که نشان می‌دهد خانواده‌ای از علمای امامیه حله که در نیمهٔ قرن هشتم فعالیت داشته‌اند،^{۳۹} تمایلاتی به مکتب ابوالحسین بصری و ابن‌ملاحمی داشته‌اند و هم‌چون وی بر عقاید ابوهاشم جبایی خاصه شیئیت معدوم خرده می‌گرفته‌اند و چندان تمایلی به مکتب کلامی - فلسفی خواجه نصیر طوسی نداشته‌اند. از اعضای این خانواده شرف‌الدین ابوعبدالله حسین‌بن ابی‌القاسم‌بن محمد عودی اسدی حلی، شهاب‌الدین اسماعیل‌بن عدوی و احمدبن شرف‌الدین که در ذی‌حجهٔ ۷۴۲ ق به تألیف مشغول بوده، خبر داریم.^{۴۰} اطلاع دیگری از این مکتب خاص کلامی امامیه که راهی جدا از خواجه نصیر طوسی داشته‌اند، در دست نیست.

خط سیر تفکر مکتب ابن‌ملاحمی را در آثار زبیدی می‌توان دنبال کرد که تاکنون نیز این اثرات باقی مانده است.^{۴۱} بر این اساس، به نظر می‌رسد که آثار ابوالحسن بصری به یمن رسیده‌اند. هم‌چنان که امروز، شواهدی بر این مطلب در دست است و آن وجود

نسخه‌های خطی آثار وی در کتابخانه‌های یمن است. ابوالحسین بصری در مسائلی چون نظریهٔ احوال، صفات خدا و قول ابوهاشم جبایی در شیئیت معدوم با دیگر معتزله اختلاف داشته است. برخلاف مکاتب دیگر اعتزالی، ابوالحسین کرامات اولیا را پذیرفت. وی در مسئلهٔ جزء لایتجزاً و اختیار آدمی نیز با دیگر معتزلیان اختلاف نظر داشت.^{۳۳}

ابن‌ملاحمی از اثر مهم کلامی ابوالحسین بصری به نام *تصفح الادلّه* یاد کرده و در *المعتمد فی اصول الدین* به آن استناد کرده که موضوع آن ردّ و تخطئهٔ برخی از آرای دیگر معتزلیان بوده است. از این کتاب، ابن ابی‌الحدید در *شرح نهج البلاغه* و ابن‌تیمیه در *درء فی تعارض العقل والنقل* استفاده کرده‌اند.^{۳۳} ابن‌ملاحمی در کتاب *المعتمد فی اصول الدین*، به غیر از کتاب *التصفح* که جز نقل‌های موجود در این کتاب و چند اثر دیگر، مفقود است، به کتاب‌های *غرر و شرح العمده* (شرحی بر کتاب *العمده* قاضی عبدالجبار) و *مسأله فی تعلیق الدلیل بالمدلول* ابوالحسین بصری اشاره کرده و مطالبی از آن‌ها نقل کرده است. هم‌چنین ابن‌ملاحمی از کتاب *المعنی* قاضی عبدالجبار نقل‌هایی آورده که با متن چاپ شده، تفاوت دارد.

از دیگر آثار مورد استفاده در تألیف کتاب *المعتمد* که به ظاهر مفقودند، کتاب‌های *المحیط بالتکلیف* و *شرح المحیط و تعلیق المحیط* است که به واقع دو کتاب آخری، شرحی بر کتاب *المحیط بالتکلیف* هستند. از کتاب‌های *الدواعی و الصوراف و شرح الجمل و العقود* نیز یاد شده است. هم‌چنین به آرای دیگری از ابوالحسین بصری اشاره شده که وی آن‌ها را در محضر درس قاضی عبدالجبار فرا گرفته است.

ابن‌ملاحمی به اثری ناآشنا از ابن‌متویه، شاگرد قاضی عبدالجبار؛ یعنی کتاب *التحریر* اشاره کرده است. هم‌چنین به کتاب *جوابات [مسائل] التستریین* از شیخ معتزله، عبدالله‌بن عباس رامهرمزی شاگرد ابوعلی جبایی (متوفی ۳۰۲ ق) نیز اشارتی رفته است.^{۳۳} ابن‌ملاحمی از کتاب به نام *قال بالعدل من المحدثین* نوشتهٔ ابن‌ابی‌حیه که احتمالاً همان محدث معروف، ابوالقاسم عبدالوهاب‌بن عیسی‌بن عبدالوهاب بن ابی‌الحیه مشهور به جاحظ وراق (متوفی ۳۰۹ ق) است، مطلبی نقل کرده است.^{۳۵} اشاره‌ای به تفسیر قرآن مفسران بصری؛ یعنی عباس‌بن یزید بحرانی،

قاضی همدان (متوفی ۲۵۸ ق)،^{۳۶} ولید بن ابان اصفهانی (متوفی ۳۱۰ ق)^{۳۷} و کتاب *تاریخ ابن ابی خثیمه*^{۳۸} (متوفی ۲۷۹ ق) در کتاب *المعتمد ابن ملاحمی* باقی است. اشاره‌ای نیز به رساله منسوب به قابوس بن وشمگیر و رساله متکلم حنفی محمد بن عیسی برغوث (متوفی حدود ۲۴۰ ق) و کتاب *الادوات* از عالم نحوی ابوالحسین دهان شده است.^{۳۹}

از همه مهم‌تر در میان این نقل قول از کتب دیگر، استناد به دو کتاب *الأراء والدیانات* نوشته حسن بن موسی نوبختی و *المقالات* ابو عیسی وراق است که کتاب *المقالات*، ردیه‌ای بر نصارا، یهود و مجوس بوده است.^{۴۰} هر چند باید به این نکته توجه کرد که ابن ملاحمی از کتاب *المقالات* ابو عیسی وراق با عنوان کتابی در *مذاهب (فی دیانات)* یاد کرده است، اما آشکار است که از کتاب *المقالات* نقل می‌کند، چرا که مطالب منقول تنها با نام همین کتاب وراق تطابق دارد.^{۴۱}

پی‌نوشت:

۱. رکن‌الدین محمود خوارزمی، *المعتمد فی اصول الدین*، تحقیق مارتن مکدرمت و ویلفرد مادیلونگ، الهدی، لندن ۱۹۹۱، نوشتار حاضر برگرفته از مقدمه محققان کتاب با اندکی حذف و اضافه است.

۲. کتاب *الشافی فی الامامة و المنع فی الغیبة* از آثار سید مرتضی (متوفی ۴۳۶ ق) است که هر دو به چاپ نیز رسیده‌اند. شیخ طوسی در آغاز کتاب *الغیبة* به فردی اشاره کرده که بر دیدگاه‌های سید مرتضی در باب غیبت نقدی نگاشته که ظاهراً مقصودش ابوالحسین بصری باشد.

۳. ابن‌المرتضی، *طبقات المعتزلة*، تحقیق سوسنه دیوالد والزر (بیروت، ۱۹۹۱)، ص ۱۱۹. ابن مرتضی از ابن ملاحمی به عنوان مؤلف *المعتمد الاکبر* یاد کرده و به خطا کتاب *الفاتی* او را به ابوالحسین بصری نسبت داده است. آقای مسعود جلالی مقدم (دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۵، ص ۳۶۸) به نقل از ابن‌المرتضی، ابن ملاحمی را شاگرد ابوالحسین بصری معرفی کرده که نادرست است. کتاب *العهد* که در سراسر مدخل ابوالحسین بصری آمده، تحصیف نام *العمد* است که شرح ابوالحسین بصری بر این کتاب باقی مانده و به چاپ نیز رسیده است. ابن تیمیه، فخر رازی و ابن‌ابی‌الحدید به کرات از آثار غیر موجود بصری نقل قول‌هایی آورده‌اند که آقای جلالی هیچ اشاره‌ای به این مطلب نکرده‌اند. در مورد ابوالحسین بصری ر. ک:

EI2, Suppl (by W. Madelung) and E. Ir. (by . D. Gimaret)

در پایان جلد بیستم المعنی (جزء دوم) رساله‌ای کوتاه به نام *الجواب الحاسم المعنی لشبهة المعنی* از عالم زیدی محمد بن احمد بن علی بن ولید (متوفی ۶۲۳ ق) آمده است (صص ۲۶۳ - ۲۷۴). این عالم زیدی بعد از ذکر کتاب‌هایی از معتزله در امامت از کتاب *الفاتی* نوشته محمود بن محمد بن الملاح [الملاحمی] سخن گفته و متذکر شده که کتابی به نام *الجواب الناطق الصادق لحل شبهة الفاتی* نگاشته است (همو، ص ۲۶۴). این شخص کسی جز رکن‌الدین محمود ملاحمی نیست. برای عبارت حاکم جشمی ر. ک: *شرح عیون المسائل*، ص ۳۸۷ در فؤاد السید، *فضل الاعتزال و طبقات المعتزلة* (تونس، ۱۹۷۴). درباره محمد بن ولید بنگرید به: ابراهیم بن قاسم المؤید بالله، *طبقات الزیدیه الکبری*، تحقیق عبدالسلام بن عباس الوجیه (عمان، ۱۴۲۱ ق)، ج ۲ صص ۹۱۲ - ۹۱۶؛ عبدالسلام بن عباس الوجیه، *أعلام المؤلفین الزیدیه*، صص ۸۴۴ - ۸۴۵.

۴. عبدالکریم الیافی، *فی سیرة الزمخشری جار الله*، *مجمع اللغة العربیة بدمشق*، سال ۱۹۸۲، صص ۳۶۷ - ۳۶۸. نام پدر ابن ملاحمی آن‌گونه که در متن ذکر شده، محل تأمل است. شاید محمد یا عبدالله (یا عبدالله) نام پدر بزرگ وی باشد.

۵. الیافی، همان، ص ۳۸۲.

۶. *فهرست مخطوطات مکتبه الجامع الکبیر صنعاء*، ج ۲، صص ۶۹۳ - ۶۹۴.

۷. در مورد وی ر. ک: عبدالسلام بن عباس الوجیه، *أعلام المؤلفین الزیدیه* (عمان، ۱۴۲۰ ق)، صص ۸۸۳ - ۸۸۴.

۸. محمد بن حسن الدیلمی، *بیان مذهب الباطنیة و بطلانہ*، تحقیق ستر و تمان (استانبول، ۱۹۳۷)، صص ۳۳ و ۷۹.

۹. محمد کاظم رحمتی، گاهی به مکتب متأخر معتزله، *هفت آسمان*، شماره ۹ - ۱۰ (۱۳۸۰) صص ۸۵ - ۸۸؛ حسن انصاری، کتابی تازه در نقد فلسفه، *نشر دانش*، سال ۱۸ شماره ۳ (۱۳۸۰) صص ۳۱ - ۳۲.

۱۰. آغاز نسخه افتاده است و بعد از برگ ۱۵ نیز بخشی از نسخه افتادگی دارد. نگارش کتاب در ربیع‌الاول ۵۷۵ (و شاید

۵ ربیع‌الاول ۵۹۵) به پایان رسیده است. در حاشیه این عبارت از مؤلف نقل شده است: «و یقول مجرد هذا الكتاب و هو محمود بن عبیدالله الاصولی الخوارزمی قرأ علیه هذا الكتاب قراءة فهم و احکام الشیخ الامام الجلیل الصائغ صفی الائمة أبوسعید جنید بن محمود بن تائبان (؟) الدهستانی و وافق الفراق من قراءة ته يوم الأربعاء غرة ذی القعدة سنة أربع و ثلاثین و خمسمائة.» بر این اساس، کتاب، شش ماه قبل از وفات ابن ملاحمی نزد او خوانده شده است. در این کتاب ابن ملاحمی به آرای خود اشاره نکرده است و تنها یک جا (برگ ۲۲۹) اشاره کرده که عقیده ابوالحسین بصری با عقیده دیگرش تعارض دارد. کتاب *المعتمد فی اصول الفقه* ابوالحسین بصری توسط محمد حمیدالله (دمشق، ۱۹۶۵) در دو جلد تصحیح و چاپ شده است. درباره نسخه التجرید ر. ک:

Bodleian Library, Ms. Arab e 103

۱۱. یاقوت، ارشاد، ج ۷ ص ۱۴۵. ضبی را به عنوان استاد زمخشری در نحو و ادبیات یاد کرده‌اند. ر.ک: یاقوت، ج ۷ ص ۱۴۷؛ احمد محمدالحوفی، *الزمخشری*، الهيئة المصرية العامة للكتاب، ص ۴۸.

۱۲. بیهقی، *تمتة صوان الحکمة*، تحقیق محمد شفیع (لاهور، ۱۹۳۵) ج ۱ ص ۱۳۵. حاکم جشمی (متوفی ۴۹۴ ق) از میان شاگردان قاضی عبدالجبار به ابومحمد خوارزمی اشاره کرده که در نیشابور تدریس می‌کرده است. ر.ک: همو، *شرح عیون المسائل*، چاپ شده در *فضل الاعتزال و طبقات المعتزلة*، تحقیق فؤاد السید، تونس، ۱۹۷۴، ص ۳۸۷. از میان شاگردان حاکم جشمی به احمد بن محمد بن اسحاق خوارزمی که از جشمی برای زمخشری مطالبی نقل کرده، سخن رفته است. ر.ک:

W. Madelung, *Der Imam al-Qasim ibn Ibrahim*, Berlin 1965, S. 187.

13. See D. Gimaret, *theorie de l'acte humanin en theologie musulmane*, Parise, 1980, pp. 59-60, 135, 144.

عبدالکریم شهرستانی که به خوارزم قبل از سال ۵۱۰ سفر کرده، از ابن ملاحمی نامی نبرده، گرچه با آرای ابوالحسین بصری کاملاً آشنا بوده است.

۱۴. فخرالرازی، *اعتقادات فرق المسلمین و المشرکین*،

تحقیق سامی النشار (قاهره، ۱۹۳۸ م)، ص ۴۵.

۱۵. در مورد اعتزال خوارزم ر. ک: عدنان زر زور، *الحاکم*

الجشمی و منهجه فی تفسیر القرآن (بیروت، ۱۹۷۱) ص ۱۳۸؛

I. Goldziher, "Aus der Theologie des Fachr al - din al - Razi", *Der Islam*, III

(1912), PP. 220 ff; W. Madelung, "The Spread of Maturidism and The Turks", *Actas do Iv Congresso de Estudos Arabes e Islamicos*, Coimbra – Lisbon, 1968, Leiden, 1971, PP. 115-16;

احمد محمد الصوفی، *الزمخشیری*، صص ۲۲ - ۲۵؛ مصطفی الصاوی الجوبینی، *قراءة فی تراث الزمخشیری*، ص ۱۹.

16. Elsayed Elshahed, *Das Problem der transzendenten Sinnlichen Wahrnehmung in der spatmutazilitischen Erkenntnis theorie nach der Darstellung des Taqiaddin an – Nagrani*, Berlin, 1983.

محمد الشاهد اشاره نکرده که رکن‌الدین خوارزمی که تقی‌الدین در مواردی از وی نقل قول می‌کند، ابن‌ملاحمی است. تقی‌الدین از کتاب‌های *المعتمد* و *الفائق* ابن‌ملاحمی یاد کرده است (همان، ص ۵۶، ۱۰۶) در مورد گزارشی از این کتاب ر.ک:

BSOAS, XL VIII (1985), pp. 128 – 129 (by W. Madelung)

۱۷. حتی اسم وی نیز به درستی دانسته نیست و در نسخه خطی جز به نسبش همراه با نام تقی‌الدین سخن دیگری نیست. این نسب نیز بدون نقطه نوشته شده و می‌توان آن را البحرانی یا النجرانی خواند. در جای دیگری از متن از وی به العجالی نیز سخن آمده است.

See *El – shahed*, op. cit, p. 29 .18

۱۹. ابن‌ابی‌الوفاء قرشی (متوفی ۷۷۵ ق) فهرست این کتاب را با چند نقل قول از آن در *الجواهر المضية فی طبقات الحنیفة*، ج ۳، صص ۴۶۱ - ۴۶۲ نقل کرده است.

۲۰. درباره گرمینی ر.ک: ابن‌ابی‌الوفاء عبدالقادر القرشی، *الجواهر المضية فی طبقات الحنیفة*، ج ۳، صص ۴۶۰ - ۴۶۱؛ اللکهنوی، *الفوائد البیہیة*، تحقیق محمد العسانی (قاهره، ۱۳۳۴ ق) صص ۲۱۲ - ۲۱۳.

Brockelmann, *GAL*, I, 381, Suppl, I, 656

احتمال دارد که نسخه‌ای از کتاب وی؛ یعنی شرحی بر کتاب قدوری، در میان شروح متعدد بر این کتاب باقی باشد. درباره فهرست این شروح ر. ک: Sezgin, *GAS*, I, 453 / *ایشار الحق* در قاهره ۱۳۴۸ ق و *ترجیح اسالیب* در بیروت ۱۴۰۴ ق منتشر شده‌اند. چند نقل قول کوتاه از گرمینی در کتاب *العواصم من القواصم*، ابن‌الوزیر، تصحیح شعیب الأرنؤوط، عمان ۱۹۸۵ - ۱۹۸۷، نیز آمده است.

۲۱. ابن‌الوزیر او را یکی از حامیان عقیده ابوالحسین بصری و یکی از بزرگان اصحاب ابوالحسین بصری معرفی کرده است. ر.ک: همو، *ترجیح اسالیب القرآن علی اسالیب اليونان*، ص ۱۹، ۹۴ در مورد آرای ابن‌ملاحمی ر. ک: همو، *ایشار الحق*، ص ۵۱؛ *ترجیح*، ص ۴۳، ۸۷ (زکی‌الدین را رکن‌الدین بخوانید) و ص ۸۹. ابن‌الوزیر با وجود اختلافاتی با تقی‌الدین او را خاتمه اهل الاصول تقی‌الائمة (الائمة) یا تقی‌الملة والدین العجالی می‌خواند. *ایشار الحق*، ص ۱۱۱ و *ترجیح اسالیب*، ص ۸۸، صص ۱۱۰ - ۱۱۱ و از کتاب *الکامل فی الاستقصاء* نیز نام برده است. *ترجیح*، ص ۱۱۱.

۲۲. آقا بزرگ الطهرانی، *الذریعة إلى تصانیف الشیعة* (نجف و تهران، ۱۳۵۵ - ۱۳۹۷ ق) ج ۳ صص ۱۵۱ - ۱۵۲ در مورد سدیدالدین ر. ک: *منتجب‌الدین الرازی*، *فهرست أسماء علماء الشیعة*، تحقیق السید عبدالعزیز الطباطبائی (قم، ۱۴۰۴ ق) ص ۱۶۴؛ عبدالله افندی الاصفهانی، *ریاض العلماء*، تحقیق السید احمد الحسینی (قم، ۱۴۰۱ ق) ج ۵ صص ۲۰۲ - ۲۰۳؛

Modarresi Tabatabai, *An Introduction of shii law*, London, 1984, P. 46

حمص گویا، روستایی نزدیک ری بوده است.

Ms Paris, Bibl Nat, Arab. 1252 .23

از سدیدالدین به عنوان محمود الحمصی در برگ‌های b36 و a96 یاد شده است. آشکار است که کتاب در اواخر قرن پنجم نگاشته شده است. برای تاریخی که جرح و جیده پیشنهاد کرده، ر. ک:

G. Vajda, "Le Probleme de la Vision de Dreu (Ruya) d'apres quelques auteurs

siites duodecimains”, in *Le shiism, Immamite*, ed., T. Fahd, Paris, 1970, pp. 34, 46

مؤلف رساله درباره معتزله بغداد و متکلمان امامیه می‌نویسد: «بنفون صفة الارادة الإلهية و يذهبون إلى أن الداعي كافٍ في وقوع الفعل عن القادر» برگ a18. گرچه این عقیده ابوالحسین بصری است و عقیده معتزله بغداد و مفید که رأی همانند با آنان دارد، نیست. مشخص است که این عقیده را از قول سدیدالدین برگرفته است.

24. Bodleian Library, *Ms Arab*, f64, fol, 103a

۲۵. الحلبي، *كشف المراد في شرح تجريد*

الاعتقاد، (قم، بی‌تا)، ص ۲۳۷.

۲۶. در مورد این عالم امامی ر.ک: مدخل آل

طاووس در *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*.

۲۷. ابن طاووس، *الطرائف* (قم، ۱۴۰۰ ق) ص

۱۰۴، ۳۱۳ و ۳۱۵.

۲۸. تحقیق سید احمد اشکوری، قم، ۱۳۹۸ ق،

نقل قول‌های فراوانی از ابوالحسین بصری آمده و از ابن ملاحمی با عنوان محمود خوارزمی در ص ۱۴۲ و از تقی‌الدین به العجالی (ص ۸۲) سخن رفته است.

۲۹. اطلاعات در نسخه زیر است:

Bodleian Library, *Ms. Arab. F. 64*

این نسخه را احمد بن حسین بن عودی برای استفاده شخصی نگاشته و حاوی چندین متن نشان‌دهنده مواضع کلامی این خانواده است و فتوی از شیخ نجم‌الدین ابوالقاسم جعفر بن سعید محقق حلی (متوفی ۶۷۶ ق) درباره عدم درستی، قول بهاشمه که معدوم شی است، نیز آمده است. نجم‌الدین شیثیت معدوم را رد کرده ولی قائلین به آن را کافر یا فاسق ندانسته است (برگ ۹۹ - ۱۰۰). در مقابل این فتوی، فتوی از شرف‌الدین حسینی نقل شده که عقیده به شیثیت معدوم را کفر دانسته و گفته که به تأمل این قول، نباید از زکات سهمی داد. برگ‌های ۱۰۰ - ۱۰۴ در تأیید این قول به کتب شیخ مفید و شیخ طوسی و ابوالحسین بصری و ابن ملاحمی که در کتاب دیگرش *رياض العقول* آمده، ارجاع داده است (در مورد *رياض العقول* ر. ک: آقا

بزرگ الطهرانی، *النريعة*، ج ۱۱، ص ۳۴۰. شهاب‌الدین عودی در رساله کلامی منظوم (برگ‌های ۱۱۳ - ۱۱۹) به مکتب ابوالحسین بصری اشاره کرده و قول معتزلیان بهشمی را رد می‌کند که وجود را زاید بر ذات می‌دانند و قول فیلسوف که زایدی بر وجود در هر چیزی است جز خدا و نظر بصرای را تأیید می‌کند (منظور از بصرای که به ضرورت شعری چنین آمده است، ابوالحسین بصری است)، چرا که وجود ما هو الا الذات فی کل شیء (برگ a115). در این مورد عقیده کوتاهی از شرف‌الدین (برگ ۱۰۵ - ۱۰۷) و پسرش احمد (برگ ۱۲۰ - ۱۲۱) در تأیید مذهب ابوالحسین بصری آمده است. هر دو عقیده که صفات کون‌الله مدرکاً بصیراً سمیعاً الی صفة کونه عالماً است، باز می‌گردد. در این مواضع، نظرات آن‌ها با آرای شیخ مفید و ابوالحسین بصری موافقت دارد، اما با نظر شیخ طوسی و ابن ملاحمی ناسازگار است.

۳۰. از این مجموعه، رسائل زیر به چاپ رسیده

است: ابن‌العودی، *ارجوزة فی شرح الياقوت فی علم الکلام*، به کوشش محمدرضا انصاری، در رسول جعفریان (به کوشش)، *میراث اسلامی ایران*، ج ۸، صص ۵۱۳ - ۵۳۳ و محقق حلی و شرف‌الدین حلی، *مفاوضه‌ای در مسألة شیثیت معدوم*، به کوشش سیدحسین مدرسی طباطبائی، *میراث اسلامی ایران*، ج ۱، صص ۱۵۷ - ۱۷۴.

۳۱. در میان کتب چاپ شده که نشانگر نفوذ مدرسه ابوالحسین بصری و ابن ملاحمی در میان زیدیان یمن است، می‌توان به کتاب *الأساس لعقائد الأکبایس* از امام منصور بالله القاسم ابن محمد (متوفی ۱۲۰۹ ق) اشاره کرد. مؤلف از مکتب کلامی ابن ملاحمی به ملاحمیه یاد کرده (تحقیق البیر نصری نادر، بیروت، ۱۹۸۰ م، ص ۶۹، ۱۲۸، ۱۴۰ و ۱۸۹) و به اسم ابن ملاحمی هیچ اشاره‌ای نکرد، اما مکرر به مکتب ابوالحسین بصری اشاره کرده است.

۳۲. در مورد بحث تقی‌الدین ر. ک: Elshahed,

P. 50 - میثم بحرانی می‌گوید که نظر ابوالحسین بصری با رأی ابوالقاسم بلخی از مدرسه اعتزال بغداد موافقت دارد. ر. ک: همو، *قواعد المرام*، صص ۹۰، ۹۵. در مورد عقاید خاص ابوالحسین بصری ر. ک: الشهرستانی، *الملل*

و النحل، تصحیح و کیورتن (لندن، ۱۸۴۲ م) ص ۵۹؛ الرازی، *اعتقادات*، ص ۴۵.
۳۳. ابن ابی الحدید از *الغرر و تصفح الادلته* نام برده است. ر. ک: همو، *شرح نهج البلاغه*، ج ۱، ص ۱۶۹؛ ج ۴، ص ۱۰ و ج ۱۰، ص ۲۱۲؛ ج ۱۶، ص ۲۴۲؛ ج ۱۷، ص ۱۵۸؛ ج ۱۸، ص ۱۱۵، ۲۲۷؛ ج ۳، ص ۲۳۶. ابن تیمیہ آرای ذیل را در کتاب *درء فی تعارض العقل و النقل* آورده است. ر. ک: همو، همان، ج ۱، ص ۵۴ (عدم تکفیر قائل به قدم صفات و خلق افعال)؛ ج ۱، ص ۱۸۰ (معنی معجزه) و طرق حصول معرفت، ج ۴، صص ۱۱۲ - ۱۱۳؛ *حدوث عالم*، ج ۴، صص ۲۴۲ - ۲۴۳ و ج ۵، صص ۴۸ - ۴۹. از کتاب *عیون الادلته* (ج ۲، ص ۳۴۳) و *غرر الادلته* نیز مطلبی آمده است. ج ۵، صص ۳۳ - ۳۵.

۳۴. *فضل الاعتزال*، ص ۳۱۲ و ابن المرتضی، همان، ص ۹۵.
۳۵. الخطیب البغدادی، *تاریخ بغداد* (قاهره، ۱۹۳۱ م) ج ۱۱، ص ۲۸. در تأیید این که ابن ابی حیه مورد اشاره ابن ملاحمی، عبدالوهاب بن ابی حیه است، این است که ابن ابی حیه از محمد بن شجاع ثلجی، فقیه حنفی (متوفی ۲۶۶ ق) روایت می کند و دارقطنی نیز او را از روایت ابن ابی حیه نام برده که فردی ثقه است، اما مانند ثلجی در مورد مخلوق یا غیر مخلوق بودن قرآن متوقف است. از عنوان کتاب وی این گونه برمی آید که برخلاف ثلجی از مکتب اعتزال حمایت می کرده است.

۳۶. *تاریخ بغداد*، ج ۱۲، ص ۱۴۲؛ ابونعیم الاصفهانی، *ذکر اخبار اصفهان*، تحقیق س. د. دریغ، لیدن، ۱۹۳۱ - ۱۹۳۴، ج ۲، ص ۱۴۰؛ الذهبی، *تذکره الحفاظ*، حیدرآباد، ۱۳۲۵، ۱۳۲۷، ج ۵، ص ۱۳۴.

۳۷. *اخبار اصفهان*، ج ۲، ص ۳۳۴؛ و *تذکره الحفاظ*، ج ۳، ص ۶
38. E12, by Ch. Pellat

۳۹. در مورد این فرد چیزی دانسته نیست.
40. W. Madelung, "Abu Isa al-warraq uber die Bardesaniten, Marcioniten und Kantaer", *Orients: Festschrift Fur Bertold Spuler zum Siebzigsten geburtstag*, Lieden 1981, pp. 210-24; M. J. Modermott, "Abu Isa al - warraq on the Dahriyya", *Melanges de l'universite Sant Joseph, L* (1984), PP. 387 - 402

۴۱. بخش‌هایی از این کتاب را ماتریدی (متوفی ۳۳۳ ق) در کتاب *التوحید* آورده است. ر. ک: همو، *التوحید*، ص ۱۸۶، ۱۹۱، ۱۹۹، ۲۸۴.